

به تحلیل مفاهیم کلیدی و نسبت آن‌ها با هم می‌پردازند و گروه تاریخ‌گرایان، تحلیل تاریخی مفاهیم را بیان می‌کنند. به نظر نیل، روش تیلور ترکیبی از این دو شیوه است. در میان متفکران ایرانی نیز غالباً جمع دو نگاه مشاهده نمی‌شود. در وجه دیگری نیز می‌توان همانندهایی برای تیلور در ایران یافت؛ دین‌اندیشانی که وضعیت کنونی را تغییرناپذیر یا حتی مطلوب می‌دانند و می‌کوشند با فرض مدرنیته و سکولاریسم، از دین سخن بگویند و در کشور ما غالباً «نواندیش دینی» خوانده می‌شوند؛ مثلاً آقای ملکیان می‌کوشد توصیه‌هایی برای حفظ توأمان دستاوردهای مدرنیته و ارزش‌های دین ارائه دهد. به این ترتیب در نگاه بسیاری از نواندیشان دینی، سکولاریسم، یا واقعیتی است که نفی آن بی‌فایده است؛ یا حتی تدین و سکولاریسم متناقض نیستند، زیرا تلقی‌هایی از دین وجود دارند که با سکولاریسم قابل جمع‌اند. (انسان متجدد، ۴۳)

به هر ترتیب اگر فرایند سکولاریسم را هنوز زنده و در حال تسری به وجه مختلف زندگی در همه جای جهان بدانیم، مطالعه تیلور می‌تواند به نوعی آینده‌شناسی و از نگاه دین‌داران، شناخت سناریوی بدترین حالت ممکن باشد. به علاوه تیلور این نوید را می‌دهد که به موازات سکولاریزاسیون، دینی شدن هم در همه جای جهان هنوز در جریان است. پس نه تنها دین‌داران می‌توانند امیدوار باشند، بلکه مخالفان دین نیز باید قبل از تکرار تجربه غرب، آن را به درستی مطالعه و فهم کنند و سپس تصمیم بگیرند که آیا موضع «ضددینی یا سکولار» بهترین موضع ممکن است یا خیر. به این ترتیب با هر رویکردی که به دین و سکولاریسم داشته باشیم، تیلور خوانی برای ما نافع است. همچنین امید است که اندیشمندان جوان به سمت ترکیب تحلیل‌های مفهومی و تاریخی از ایران حرکت کنند و نظریاتی چندوجهی و غنی ترارائه دهند. ▶

پی‌نوشت

1. Patrick Neal.



می‌پردازند و می‌کوشند با تأمل عقلی در مبانی اسلامی، سکولاریسم را رد کنند و نشان بدهند دین اسلام و اساساً حیات بشر به‌شکلی است که هیچ عرصه‌ای را نمی‌توان خالی از تدین دانست. برخی از این متفکران بر همین مبنا حکومت اسلامی را هم لازم و ضروری می‌دانند ولی چنان که گذشت تیلور اندیشیدن به حکومت مسیحی را عبث می‌پندارد. پاتریک نیل^۱ می‌گوید اغلب نظریه‌پردازان معاصر یا نگاه تحلیلی دارند یا نگاه تاریخی. آنان که نگاه تحلیلی دارند

در باب معنای سوم و اصلی مدنظر تیلور به نظرمی‌رسد کمتر مواجهه فلسفی و تا این حد مفصل و همه‌جانبه ایرانیان را با سکولاریسم شاهدیم. شاید به قول تیلور چون هنوز سایر جوامع بشری به اندازه جامعه غربی، عمیقاً و از هر حیث سکولار نشده‌اند. با این حال از میان اندیشمندان ایرانی، برخی تا حدی با تیلور قرابت دارند؛ آنان که دغدغه دین و رویکرد فلسفی دارند مثل استاد جوادی آملی گاهی با نگرش فلسفی به سکولاریسم

درمان لوبوتومی روشی است که با هدف رهایی بیمار از پاره‌ای رفتارهای ناخوشایند، بخشی از مغز او را برمی‌داشتند. این روش از نیمه اول قرن بیستم منسوخ شده است.